

آشنایی با

حقوق شهروندی

علیرضا اسدپور طهرانی

کارشناس ارشد حقوق عمومی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر

چه هنگام دادگاه رأی صادر می‌کند؟

۱- با توجه به ماده‌ی (۲۹۵) قانون آیین دادرسی مدنی، قاضی دادگاه می‌تواند، بلافاصله پس از اعلام پایان رسیدگی به پرونده‌ای، در همان جلسه، نظر خود را صادر کند. به این نظر رأی می‌گویند. البته قاضی از لحاظ قانونی اجازه دارد طی حداکثر یک هفته پس از اعلام پایان رسیدگی به پرونده رأی خود را انشاء کند.

۲- ماده‌ی (۲۹۶) همان قانون مقرر می‌دارد: «رأی دادگاه پس از انشای لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت گردد: ۱- تاریخ صدور رأی، ۲- مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه، ۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین، ۴- جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رأی براساس آن‌ها صادر شده است، ۵- مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه.»

۳- مطابق ماده‌ی (۲۹۷) قانون یاد شده، رأی دادگاه باید ظرف پنج روز از تاریخ صدور رأی، پاکت‌بندی شده و به امضای دادرس یا دادرسانی که رأی را صادر کرده‌اند، برسد.

طرفین یک دعوا، چگونه از رأی دادگاه مطلع می‌شوند؟

۱- مدیر دفتر دادگاه، موظف است بلافاصله پس از امضای دادنامه توسط قاضی، از رأی صادره به تعداد اصحاب دعوا رونوشت تهیه کند و در صورتی که اصحاب دعوا یا وکیل آن‌ها حضور دارند، به حضور رأی را به آن‌ها ابلاغ کند و گر نه، مدیر دفتر

دادگاه موظف است که رأی صادره را تحویل مأمور ابلاغ نموده و از این طریق، اصحاب دعوا از رأی دادگاه مطلع شوند.

منظور از حکم حضوری و غیابی چیست؟

۱- به طور کلی حکم دادگاه حضوری است، مگر در مواردی که خوانده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده‌ی قانونی خوانده در هیچ یک از جلسه‌های دادگاه حاضر نشود و به طور کتبی نیز دفاعی انجام نداده باشد و یا اختاریه ابلاغ واقعی نشده باشد. در این موارد حکم دادگاه به صورت غیابی است.

منظور از واخواهی چیست؟

۱- شخصی که بطور غیابی رأی دادگاه بر علیه‌اش صادر شده، حق دارد به حکم غیابی اعتراض کند. به این شیوه‌ی اعتراض، واخواهی می‌گویند.

۲- دادخواست برای واخواهی باید به دادگاهی که حکم غیابی را صادر کرده تسلیم نمود و توسط همین دادگاه، دادخواست مزبور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

۳- مهلت واخواهی از احکام غیابی برای کسانی که در ایران اقامت دارند، بیست روز است و برای کسانی که خارج از ایران اقامت دارند، دو ماه از تاریخ ابلاغ واقعی است.

۴- اگر شخصی که غیاباً محکوم شده، پس از اجرای حکم، واخواهی کند و دادگاه پس از رسیدگی به واخواهی به نفع وی حکم صادر کند، طرف مقابل او، باید خسارت ناشی از اجرای حکم را متقبل شود.

از احکام دادگاه‌ها چگونه می‌شود درخواست تجدیدنظر نمود؟

۱- رأی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در این

موارد نقض می‌شوند: الف - قاضی صادرکننده‌ی رأی، متوجه اشتباه خود شود؛ ب - قاضی دیگری (رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس حوزه‌ی قضایی) پی به اشتباه رأی صادره ببرد، ج - دادگاه صادرکننده‌ی رأی یا قاضی، صلاحیت رسیدگی به پرونده را نداشته یا این که بعداً مشخص شود که قاضی برای رسیدگی به پرونده، صلاحیت نداشته است.

۲- در صورتی که اشخاصی از جمله رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور یا رئیس حوزه‌ی قضایی، پی به اشتباه رأی صادر شده ببرد، با ذکر استدلال، پرونده را به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌دارند.

۳- دادگاه تجدیدنظر در صورتی که استدلال اشخاص یاد شده را بپذیرد، رأی اولیه را نقض کرده و مجدداً به موضوع پرونده رسیدگی می‌کند. در صورتی که استدلال اشخاص مذکور را قبول نداشته باشد، رأی اولیه را تأیید کرده و برای اجرا به دادگاه اولیه (= دادگاه بدوی) ارسال می‌کند.

۴- باید توجه داشت، کلیه آرای صادره از دادگاه قطعی است، مگر در مواردی که اجازه‌ی تجدیدنظر توسط قانون صادر شده باشد.

۵- قانون در این موارد، اجازه داده که آرای دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر شوند: الف - در دعاوی مالی که مبلغ مورد ادعای خواهان (= خواسته) یا ارزش آن، بیشتر از مبلغ سیصد هزار تومان باشد.

ب - کلیه‌ی احکام صادره در دعاوی غیر مالی. ۶- اگر طرفین دعوا کتباً پذیرفته باشند که اگر یک یا چند کارشناس در مورد اختلاف آن‌ها، نظر داده و همین نظر را پایان دهنده‌ی اختلاف خود بدانند؛ از چنین حکمی نمی‌توان درخواست تجدیدنظر نمود.

۷- در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی، از حق تجدیدنظر خواهی خود صرف‌نظر کرده باشند، تجدیدنظر خواهی آن‌ها پذیرفته نمی‌شود.

۸- در مرکز هز استان، دادگاه‌هایی با عنوان دادگاه تجدیدنظر تشکیل می‌شوند که مرجع تجدیدنظر از آرای دادگاه‌های بدوی سطح همان استان می‌باشد.

مهلت تجدیدنظر خواهی تا چه زمانی است؟

۱- اگر اصحاب دعوا در داخل ایران زندگی کنند تا بیست روز پس از تاریخ ابلاغ و اگر در خارج از ایران زندگی کنند تا دو ماه پس از تاریخ ابلاغ می‌توانند، درخواست تجدیدنظر از حکم اولیه را بدهند.

دادخواست تجدیدنظر را باید به کجا ارائه کرد؟

۱- متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادرکننده‌ی رأی یا دفتر شعبه‌ی اول دادگاه تجدیدنظر یا به دفتر بازداشتگاهی که در آن توقیف است، تسلیم نماید.

۲- اگر دادخواست تجدیدنظر در مهلت قانونی تقدیم شود، مدیر دفتر دادگاه بدوی، پس از تکمیل آن، پرونده را ظرف دو روز به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌دارد.

۳- در صورتی که دادخواست، خارج از مهلت قانونی برای تجدیدنظر داده شود یا در مهلت قانونی، رفع نقض نشود، به موجب قراری که توسط دادگاه بدوی، صادر می‌شود، تجدیدنظر خواهی رد می‌شود.

۴- از قرار ردّ تجدیدنظر خواهی، تا بیست روز پس از تاریخ ابلاغ قرار می‌توان اعتراض نمود.

۵- باید توجه داشت که دادگاه‌ها موظفند در ذیل رأی خود، قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رأی را اعلام کنند.

چه دلایلی می‌توان برای تجدیدنظر خواهی ارائه داد؟

۱- جهات تجدیدنظر خواهی عبارتند از: الف - ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه، ب - ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود، ج - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ارائه شده، د - ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده‌ی رأی، ه - ادعای مخالف بودن رأی با موازین شرعی و یا مقررات قانونی.

۲- دادگاه تجدیدنظر موظف است، فقط به موضوع یا موضوعاتی که از آن تجدیدنظر خواهی درخواست شده و دادگاه بدوی در مورد آن حکمی صادر کرده، وارد رسیدگی شود.

۳- اگر دادگاه تجدیدنظر، پرونده‌ای را بررسی کند و متوجه شود که دادگاه بدوی‌ای که به پرونده

رسیدگی کرده، دارای صلاحیت محلی نبوده یا صلاحیت ذاتی (= در حیطه‌ی اختیاراتش نبوده که به پرونده رسیدگی کند) نداشته است؛ باید رأی دادگاه بدوی را نقض کرده و پرونده را به دادگاه دارای صلاحیت ارجاع دهد.

۴- بطور کلی اگر دادگاه تجدیدنظر، ادعای تجدیدنظر خواه را صحیح تشخیص بدهد، رأی دادگاه بدوی را نقض کرده و خود رأی می‌تواند، حکم لازم را صادر کند.

۵- چنانچه دادگاه تجدیدنظر، ادعای تجدیدنظر خواه را نپذیرد، حکم به ردّ دادخواست تجدیدنظر خواه داده و رأی دادگاه بدوی را تأیید نموده و پرونده را به دادگاه بدوی باز می‌گرداند.

ایا طرح ادعای جدید در مرحله‌ی تجدیدنظر امکان پذیر می‌باشد؟

۱- بطور کلی در مرحله‌ی تجدیدنظر، مطرح کردن، هر گونه ادعای جدید، پذیرفتنی نیست.

۲- البته اگر شخص تجدیدنظر خواه چنین مسائلی را در دادخواست تجدیدنظر خواهی خود ذکر کند، از لحاظ قانونی، ادعای جدید محسوب نمی‌شوند؛ الف - مطالبه‌ی قیمت محکوم‌به که عین آن، موضوع رأی بدوی بوده و یا مطالبه‌ی عین مالی که قیمت آن در مرحله‌ی بدوی، مورد حکم قرار گرفته است.

ب - ادعای اجاره بها و مطالبه‌ی بقیه‌ی اقساط آن و اجرت‌المثل و دیونی که موعد پرداخت آن در جریان رسیدگی بدوی، رسیده و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیان که در زمان جریان دعوا یا بعد از صدور رأی بدوی به خواسته‌ی اصلی تعلق گرفته و مورد حکم واقع نشده یا موعد پرداخت آن بعد از صدور رأی رسیده باشد.

ج - تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المسمی به اجرت‌المثل یا بالعکس.

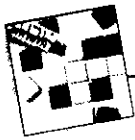
چه هنگامی قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر صادر می‌شود؟

۱- اگر یکی از طرفین دعوا (اصحاب دعوا)، دادخواست تجدیدنظر خود را پس بگیرد (مسترد کند) دادگاه تجدیدنظر، قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌کند.



الفی

- ۱_ از اساتید و حقوقدانان بنام ایران در زمینه حقوق مدنی.
- ۲_ نداری _ مکتب اعتقادی هیتلر _ از انواع جرایم و مجازات ها در حقوق جزای ایران.
- ۳_ ترساندن دیگری که عملی مجرمانه محسوب می شود _ فریب و خدعه بکار بردن.
- ۴_ پرتاب کننده _ محل فروش البسه _ حرف ندا.
- ۵_ دست اورا باید قطع کرد _ در سجل احوال اشخاص ثبت می شود _ حرص و طمع.
- ۶_ شک و تردید _ مجری حکم قاضی _ تپه و پشته.
- ۷_ شهردار نامرتب _ نفقه دهنده.
- ۸_ گوشت به زبان آذری _ از عقود معین _ قانونی که چنگیز مبدع آن بود.
- ۹_ ماده کشنده _ نو و استفاده نشده _ با نظم.
- ۱۰_ عمل خارق العاده _ ترس و بیم.
- ۱۱_ تکنیک _ از جرایمی که منحصرأ توسط کارمندان دولت ارتکاب می یابد _ اماره و قاعده ای معروف در فقه و حقوق.
- ۱۲_ نوعی اتومبیل _ امانت گذار.
- ۱۳_ خون بها _ رودی معروف در ایران _ گمان



عمودی

- ۱_ نماینده عالی سیاسی یک کشور در کشور دیگر _ خوردن آن حرام شرعی است _ بر هم زدن یک طرفه قرارداد.
- ۲_ پهلوان _ در بند بودن _ لحظه.
- ۳_ سرمایه _ قبول نیست.
- ۴_ پیشوای مذهبی زرتشتی _ بلاعوض.
- ۵_ نوشته ای است مکتوب که می تواند در دادگاه مورد استناد قرار گیرد _ از صفات خداوند _ در باب ارث اصطلاحاً به برادر و خواهرهای متوفی گویند.
- ۶_ جانشین _ از انواع ادله اثبات دعوا.
- ۷_ از وقایع حقوقی _ عدم پذیرش قبولی در سفته از سوی محال علیه.
- ۸_ ماه میلادی _ قبض مبیع از جانب خریدار _ دستور.
- ۹_ نام دیگر عقد ودیعه _ از رده خارج شده و بلااثر.
- ۱۰_ مالکیت آور _ گنج پنهان زیر زمین _ باروستا اشتراک معنوی دارد.
- ۱۱_ حکم صادر می کند.
- ۱۲_ روشی برای مالکیت بر مباحات _ نوعی خویشاوندی.
- ۱۳_ از انواع حدیث _ یکی از حدود _ بدهی.

تنظیم کننده: حمید صباح مشهدی

ماهنامه شماره ۲۲، سال دوازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۸۷



۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
*	ت	ب	ا	ج	ن	*	ق	ا	ف	ت	ر	ا
ت	ب	*	ی	ب	ا	ه	و	*	ر	ی	م	ع
ن	*	ل	ه	ا	ی	ت	ه	*	ل	ا	ز	ا
*	ی	ا	*	ر	و	ا	ن	ا	م	ن	م	د
د	ب	ن	*	ت	ک	ر	ش	*	و	ی	ه	و
ا	*	ل	*	*	ی	م	ا	*	د	ح	د	ح
د	ن	ا	ب	ن	ی	م	ه	ت	م	ی	*	ی
ی	ی	*	ه	ط	ا	ن	ا	*	ل	ی	ث	ق
ر	ن	ا	ن	ل	ک	*	ن	*	ا	م	ی	ا
ا	*	ت	ی	ا	ل	*	ع	*	ا	ر	ر	ا
*	م	ی	ق	*	ه	ن	م	*	د	ی	*	ی
ر	ج	ت	*	*	ن	و	ا	*	ع	د	*	س
ی	*	*	ق	*	ح	ر	ت	*	ا	ص	*	م

باسخ جدول شماره ۲۲

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
*												۱
	*								*			۲
					*						*	۳
	*						*					۴
*		*					*				*	۵
	*	*					*					۶
	*				*							۷
			*	*					*	*		۸
			*	*					*	*	*	۹
*					*				*	*	*	۱۰
		*	*							*	*	۱۱
	*				*	*			*	*	*	۱۲
	*		*				*	*		*	*	۱۳

جدول شماره ۲۲